

تبیین استراتژی عقب‌نشینی یا تحدید دامنه مداخله حقوق جزا

و

جایگاه آن در ایران

نگار مهرداد رایجیان اصلی
دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی

اندیشه محدود کردن دامنه مداخله حقوق کیفری، برای نخستین بار و به صورت یک بحث جدی در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی در قالب آموزه دفاع اجتماعی نوین مطرح شد؛ اگرچه نشانه‌هایی از آن را پیشتر در اندیشه‌های بکاریا، قیری و گراماتیکا می‌توان دید: بکاریا با تأکید بر کم کردن شمار جرایم در قوانین، به حذف برخی عناوین مجرمانه - مانند جرم‌های عقیده و خودکشی - معتقد بود. قیری نیز به کارگیری مفاهیمی چون «مسئولیت اجتماعی» و «جان‌نشیهای کیفری» و گراماتیکا هم به کارگیری مفاهیمی مانند «ضد اجتماعی بودن» و «اقدامهای غیر کیفری» را به جای «جرم، مجرم و مجازات» پیشنهاد می‌کردند. در این میان، طرفداران جنبش دفاع اجتماعی نوین با آگاهی از واقعیت تحول جوامع اروپایی و ضرورت انطباق قوانین کیفری با این تحول از یک سو، و افزایش شمار رفتارهای جرم‌انگاری شده در این قوانین و خطر بروز پدیده «تورم کیفری» از سوی دیگر، به تبیین استراتژی پیشنهادی خود پرداختند. پیش از این، حقوق

کیفری تنها با استراتژی پیشروی - یعنی از طریق سازوکار جرم‌انگاری^(۱) یا خلق جرایم جدید در قانون جزا - پدیده مجرمانه را به نبرد می‌طلبد. ولی، از آن پس نظام عدالت کیفری با بهره‌گیری از یافته‌های سیاست جنایی نوین به استراتژی عقب نشینی - در چارچوب سازوکارهای جرم‌زدایی و کیفرزدایی - نیز مجهز شد. بدیهی است این عقب نشینی هرگز به معنای شکست و تسلیم نظام کیفری در مبارزه با پدیده مجرمانه نبوده و نیست، بلکه هدف سبک کردن بار این نظام و توزیع آن میان نظام‌های حقوقی دیگر - همچون حقوق مدنی، حقوق اداری، حقوق انضباطی و... - را دنبال می‌کند. بدینسان، براساس آموزه دفاع اجتماعی نوین، با بهره‌گیری از سازوکارهایی چون جرم‌زدایی و کیفرزدایی می‌توان به الگویی از سیاست جنایی دست یافت که گذشته از حفظ توازن اجتماعی میان شهروندان، از گسترش بیش از اندازه و غیر ضروری حقوق کیفری و بروز پدیده تورم کیفری - به دنبال آن - جلوگیری می‌کند.^(۲)

یافته‌های جدید، به تدریج مورد توجه دست‌اندرکاران نظام‌های مختلف سیاست جنایی قرار گرفت و در این میان، اروپاییان که خود از مبتکران اندیشه نوپا بودند برای دست‌یابی به یک نظام پویا و منسجم قانونگذاری تلاش بسیاری کردند. «گزارش کمیته اروپایی ویژه مسائل جنایی شورای اروپا» درباره جرم‌زدایی به سال ۱۹۸۰ از آخرین تلاشها و مهمترین تحولات در این قلمرو به شمار می‌رود که با تصویب آن می‌توان به گسترش چنین اقدامهایی در سطوح بین‌المللی - و بویژه در سطح سازمان ملل متحد - نیز امیدوار بود. در مقاله فشرده‌ای که پیش روی دارید ضمن تبیین مفهوم این استراتژی جدید، مهمترین نمودهای آن در نظام عدالت کیفری ایران مورد اشاره قرار گرفته است.

1- Criminalisation.

۲- البته در کنار این جنبش، پیدایش رویکردهای جدید جرم‌شناسی - یعنی جرم‌شناسیهای واکنش اجتماعی - نیز به رشد و گسترش اندیشه نوپا کمک شایانی کرد... به عقیده این جرم‌شناسان، علت‌شناسی پدیده مجرمانه را باید در نحوه عملکرد نظام عدالت کیفری و ضعف و کاستی این نظام جستجو کرد. جرم‌شناسان تعامل‌گرای آمریکایی در این میان سهم بیشتری دارند. به زعم ایشان فرایند لکه دار کردن افراد از طریق استراتژی جرم‌انگاری یا زدن انگ مجرم به آنها گسترش پیدا می‌کند و بدین ترتیب، ضرورت جرم‌زدایی در نظریه برجسب‌زنی توجیه می‌شود.

الف) بیان مفاهیم: جرم زدایی و کیفرزدایی / قضازدایی

جرم‌زدایی - چنان‌که از عنوانش پیداست - عبارت است از زدودن عنوان مجرمانه از برخی جرایم که در جریان آن، صلاحیت تعیین و تحمیل ضمانت اجراها - به عنوان واکنش علیه برخی رفتارها - از نظام کیفری سلب می‌شود. در ادبیات جرم‌شناسی واژه Decriminalisation برای بیان هر دو جنبه از این مفهوم - یعنی زدودن عنوان مجرمانه و سلب مجازات از رفتار معین - به کار رفته است. زیرا، از دیدگاه حقوق کیفری کلاسیک جرم و مجازات چنان لازم و ملزوم یکدیگراند که با نبودن یکی دیگری نیز وجود خود را از دست می‌دهد. ولی، با تحوّل دیدگاهها در دهه‌های اخیر تصوّر جرم بدون مجازات هم ممکن شده است چرا که در چارچوب سیاست جنایی نوین، «مجازات» یا «واکنشهای کیفری» تنها یکی از گونه‌های پاسخ به پدیده مجرمانه به شمار می‌روند. به همین خاطر، زمانی که استراتژی عقب‌نشینی حقوق جزا در قالب سلب مجازات از رفتاری که عنوان مجرمانه‌اش حفظ شده است صورت می‌پذیرد، از واژه کیفرزدایی (Depenalisation) استفاده می‌شود. با وجود این، صاحب‌نظران در بیشتر منابع، کاربرد اصطلاح نخست را برای بیان مشترک هر دو مفهوم کافی دانسته‌اند. برای نمونه، در گزارش کمیته اروپایی ویژه مسائل جنایی شورای اروپا، ضمن تفکیک این دو مفهوم از یکدیگر، حجم بیشتر این گزارش به مفهوم جرم‌زدایی اختصاص یافته است.^(۱) در دانشنامه جرم‌شناسی هم با وجود رعایت این تفکیک، واژه Decriminalisation برای هر دو مفهوم به کار رفته است.^(۲) به نظر ما، با توجه به استقلال که این دو مفهوم در سیاست جنایی معاصر پیدا کرده است و نیز برای بازشناختن هرچه بهتر نمونه‌های آن، بر ضرورت تفکیک عنوانهای آنها باید صحّه گذاشت.

1- European committee on crime problems (council of Europe), report on decriminalisation, Strasbourg, 1980, 275p.

۲- نجفی ابرندآبادی (دکتر علی حسین)، هاشم بیگی (حمید) دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۷۶ و ۷۷.

۱- جرم زدایی

جرم زدایی در ساده‌ترین تعریف «زدودن عنوان مجرمانه از یک رفتار» است. زدودن عنوانهای مجرمانه از برخی رفتارها با آداب و رسوم و فرهنگ هر جامعه پیوندی ناگسستنی دارد. در این میان، اروپاییان، نخست، راه جرم زدایی از جرایم اخلاقی و عقافی را پیموده‌اند. ولی، در زمانی نزدیک‌تر به ما، جرم زدایی از رفتارهای مجرمانه مالی و اداری اهمیت بیشتری یافته است. افزایش جرایم در متون کیفری به عنوان یکی از پیامدهای استراتژی پیشروی حقوق جزا - یعنی جرم‌انگاری - به ویژه در زمینه‌های اقتصادی و اداری و ناکارآمدی بخش بزرگی از آنها خطر بروز پدیده زیانبار تورم کیفری را به قانونگذارانی که راه زیاده روی برگزیده بودند، گوشزد کرد. بدین ترتیب، چنان که پیشتر نیز اشاره شد، اندیشه نوآورانه جنبش دفاع اجتماعی نوین در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ به تدریج از سوی برخی دست‌اندرکاران سیاست جنایی با استقبال روبه‌رو شد.

مهمترین موضوعی که از همان آغاز طرح اندیشه نوین ذهن استقبال‌کنندگان را به خود مشغول داشت این بود که چه جرایمی باید از محدوده رفتارهای منع شده خارج و مباح شناخته شوند؟ پاسخ این پرسش ارتباط تنگاتنگی با آداب و رسوم و فرهنگ هر جامعه دارد. صاحب‌نظران نیز بر پایه همین باور به کارگیری جرم زدایی را لزوماً نه مباح کردن یا زدودن تقبیح از رفتار انتخاب شده بلکه واگذاری صلاحیت پرداختن به آن به سایر نظامهای حقوقی و پیرامون نظام کیفری انگاشته‌اند.^(۱) وانگهی، چنانچه جرم زدایی از رفتاری مستلزم مباح ساختن آن باشد، بی‌گمان باید با توجه دقیق به بافت فرهنگی و اجتماعی آن کشور و افکار عمومی صورت پذیرد. بدین ترتیب، جرم زدایی از رفتارهای منع شده اخلاقی در جوامع لاییک به مراتب آسانتر از جوامع مذهبی است، در حالی که در قلمرو جرایم مالی و انضباطی تحقق مساوی یا مشابه آن شاید به این دشواری نباشد. به همین خاطر، امروزه بسیاری از جرم‌شناسان با جرم‌انگاری گسترده در قلمرو اخیر به

۱- برای نمونه می‌توان به جرم زدایی در جرایم راهنمایی و رانندگی اشاره کرد.

مخالفت برخاسته و پیامد چنین تورمی را ایجاد یک حالت بی‌هنجاری دانسته‌اند که در آن «هیچ کس با اطمینان نمی‌داند چه امری مجاز و چه امری در قانون منع شده است».^(۱) برخی دیگر نیز باترسیم حدود مشخصی برای جرم‌زدایی، از به کارگیری آگاهانه آن سخن رانده‌اند: نخست، با اعمال آن در زمینه‌هایی که برای امنیت جامعه ضروری و اساسی نیست می‌توان به کاهش بار نظام عدالت کیفری کمک شایانی کرد و دوم، از طریق آن می‌توان به هماهنگی مناسبی میان اقدامهای بخشهای مختلف جامعه (بخشهای رسمی مانند پلیس و دادگستری و بخشهای غیررسمی مانند انجمنهای مردمی و آموزش و پرورش...) در زمینه پیشگیری از جرایم دست یافت.^(۲)

زمینه‌هایی که امروزه گرایش بیشتری به جرم‌زدایی در آنها وجود دارد موارد زیر را شامل می‌شود: جرایم اقتصادی؛ جرایم راهنمایی و رانندگی؛ و برخی رفتارهای مربوط به اخلاق خانوادگی و روابط جنسی.^(۳) اینها بیشتر، رفتارهایی هستند که گرچه پیش از این سرزنش برانگیز شمرده می‌شدند، ولی امروز جرم بودن یا نبودن آنها در نزد افکار عمومی یکسان تلقی می‌شود و بنابراین جرم‌زدایی از آنها بهتر - و بلکه ضروری - است. گزارش کمیته اروپایی ویژه مسائل جنایی (۱۹۸۰) نیز گونه‌های متنوعی از جرم‌زدایی را معرفی می‌کند. این گزارش به طور کلی دو نوع جرم‌زدایی را از یکدیگر باز می‌شناسد: نخست، جرم‌زدایی عملی^(۴) که عبارت است از «پدیده تدریجی کاهش فعالیت‌های نظام عدالت کیفری در قبال برخی رفتارها یا اوضاع و احوال، هرچند رسماً و قانوناً در صلاحیت آن نظام تغییری حاصل نشده باشد».^(۵) در اینجا می‌توان به عملکرد مراجع یا

۱- نجفی ابرندآبادی (دکتر.ع.ح)، هاشم بیگی (حمید)، همان، ص ۷۷.

۲- پیکا (ژرژ)، جرم‌شناسی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۶.

۳- بردال (ژان)، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۲۷.

4- De facto decriminalisation.

5- European committee on crime problems, op. cit, p.13

اشخاصی اشاره کرد که از دست‌اندرکاران عدالت کیفری محسوب می‌شوند. برای نمونه، شخصی که از وقوع جرمی مطلع شده است می‌تواند از گزارش آن به پلیس خودداری کند.^(۱) همچنین پلیس می‌تواند در مواردی از مداخله صرف‌نظر کند، دادسرا جریان تعقیب را متوقف سازد و سرانجام، قاضی به صدور مجازاتی که جنبه نمادی دارد بسنده کند.^{(۲)(۳)}

دوم، جرم‌زدایی قانونی^(۴) که در گزارش کمیته به سه صورت از آن اشاره شده است: - به رسمیت شناختن کامل قانونی و اجتماعی رفتار جرم‌زدایی شده که پیش از این مغایر با قانون بوده است. گزارش، به «جرم‌زدایی از اعمال همجنس‌گرایانه میان افراد بالغی که با رضایت دست به این کار می‌زنند» اشاره می‌کند که جرم‌زدایی از آن دست کم در برخی کشورها با هدف لغو تبعیض صورت می‌پذیرد (جرم‌زدایی از نوع الف)؛ - دگرگونی افکار و عقاید در مورد نقش مراجع رسمی (دولتی) در یک قلمرو معین، به طوری که دولت در این حالت به یک بی‌طرف تبدیل می‌شود. جرم‌زدایی از جرایم جنسی نمونه مورد ذکر کمیته در این زمینه است (جرم‌زدایی از نوع ب)؛ - واگذاری اختیار برخورد یا رویارویی با یک وضعیت نامطلوب به افراد ذی‌نفع، مگر این که راه‌حلهای دیگری پیش‌بینی شود که به نام یا بر پایه ابتکار مراجع دولتی اعمال شوند. در اینجا گزارش نمونه

رتال جامع علوم انسانی

۱- پدیدهی است در نظامهایی که «جرایم علیه عدالت قضایی» را به رسمیت شناخته‌اند، خودداری از گزارش جرایم معینی به پلیس یا مراجع مربوط خود می‌تواند موضوع جرم مستقلی باشد. برای نمونه، به موجب ماده ۴۳۴-۱ قانون جزای جدید فرانسه خودداری از گزارش یک جنایت با شرایط خاصی مستوجب مجازات حبس و جریمه نقدی شناخته شده است. بدین ترتیب، جرایم جنحه‌ای و خلافی با خروج از این ماده می‌توانند موضوع جرم‌زدایی عملی در بحث ما قرار گیرند.

۲- در این مورد می‌توان به مجازانهایی که به حداقل آنها تصریح نشده است اشاره کرد. برای نمونه در مواردی مجازات جرمی تا چند سال حبس پیش‌بینی شده است و قاضی می‌تواند با تعیین یک روز حبس مجازاتی نمادی صادر کند.

۳- نمونه‌هایی که در این قسمت از گزارش آمده است - چنان که خواهیم دید - به طور دقیقتر در چارچوب کیفرزدایی قرار می‌گیرند.

مشخصی، ذکر نمی‌کند^(۱) (جرم‌زدایی از نوع ج).^(۲)

بدیهی است در همه این موارد، ارتباط رفتارهای انتخابی با شرایط فرهنگی و اجتماعی آن جامعه باید در نظر گرفته شود. چه، در غیر این صورت جرم‌زدایی ممکن است نقش معکوسی ایفا کند. به همین خاطر، جرم‌شناسان همواره تأکید می‌کنند جرم‌زدایی باید در زمینه‌هایی انجام شود که به نظم عمومی و امنیت جامعه لطمه نزنند.

۲- کیفرزدایی / قضازدایی

کیفرزدایی - به عنوان جنبه دوم استراتژی عقب‌نشینی حقوق جزا - بیش از جرم‌زدایی مورد توجه دست‌اندرکاران عدالت کیفری قرار گرفته است. زیرا، با حفظ وصف مجرمانه برای رفتاری که تنها، واکنش کیفری از آن زدوده شده است، محظورات کمتری از جرم‌زدایی دارد.

کیفرزدایی - که در دانشنامه جرم‌شناسی از آن به «جرم‌زدایی ناقص» یاد شده است.^(۳) - گونه‌ای از ابزارهای سیاست جنایی است که تخفیف کیفر تا حذف آن یا پیشنهاد تناوب میان کیفر و یک اقدام غیرکیفری در قبال پدید مجرمانه را شامل می‌شود. بنابراین، تدابیری که به محدود کردن مجازات یا حذف آن منجر می‌شوند - مانند تبدیل مجازات به درجه خفیفتر یا جانشین ساختن یک اقدام غیر سالب آزادی به جای مجازات حبس - در قلمرو کیفرزدایی قرار می‌گیرند. بدینسان، کیفرزدایی را می‌توان شامل همه شکلهای جرح و تعدیل در درون نظام کیفری در جهت تخفیف یا حذف مجازات دانست. اگر جرم‌زدایی، زدودن عنوانهای مجرمانه از برخی رفتارها بر پایه ضرورت انطباق با بافت اجتماعی - فرهنگی هر جامعه است، کیفرزدایی نیز ضرورت انطباق ضمانت اجراهای کیفری با شرایط و مفاهیم ارزشهای جهان امروزی محسوب می‌شود.

۱- با توجه به طرز تلقی گزارش از جرم‌زدایی، در این قسمت می‌توان به روشهای عدالت مردمی برای حل و فصل دوستانه اختلافها یا به راه‌حلهای قانونی ترمیم / میانجیگری اشاره کرد که در چارچوب یک سیاست جنایی مشارکتی قابل توجه‌اند.

2- Op.cit, p.5.

۳- نجفی ابرندآبادی (دکتر علی حسین)، هاشم بیگی (حمید)، همان، ص ۷۷.

به عقیده مارک آنسل - از بنیانگذاران آموزه دفاع اجتماعی نوین - از آنجا که جریان سیاست جنایی معاصر به سوی محدود کردن مجازات گرایش بیشتر دارد، شاید روی آوردن به کیفرزدایی بسیار آسانتر و مفیدتر از جرم‌زدایی باشد.^(۱) زیرا، شرایط این روزگار دامنه جرم‌زدایی را محدودتر از کیفرزدایی ساخته است و به همین خاطر رفتارها یا پدیده‌هایی را می‌توان تصوّر کرد که با امکان ناپذیری جرم‌زدایی از آنها زمینه بهتری برای کیفرزدایی آنها وجود دارد. آنسل - که خود یکی از پرچمداران این جنبش نوپا به شمار می‌رود - مفهوم کیفرزدایی را در حصارهای واژه‌شناسانه آن محصور نمی‌کند بلکه به زیباترین وجه، آن را موزون سازی واکنش اتخاذ شده در قبال پدیده مجرمانه می‌شناساند.^(۲) بنابراین، زمانی که با حفظ مجازات جرمی، تنها از شدت آن کاسته می‌شود نیز می‌توان همچنان از کیفرزدایی سخن به میان آورد.

با توضیحاتی که درباره کیفرزدایی داده شده می‌توان به خاستگاه «جنبش تحدید مجازات زندان در جهت گسترش اقدامهای جانشین آن» پی بُرد. این جنبش که ابتدا در قالب بدبینی نسبت به مجازات زندان متجلی شد امروزه مورد استقبال و توجه بسیاری از اندیشمندان و نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است. در گزارش «کمیتة اروپایی ویژه مسائل جنایی» نیز ضمن ارائه تعریفی کوتاه از کیفرزدایی - «شامل همه شکل‌های تراکم‌زدایی از نظام کیفری» - «اقدامهای جانشین مجازات سالب آزادی» پس از سازوکارهایی چون «جنحه‌ای کردن جرمهای جنایی»، به عنوان بارزترین نمونه کیفرزدایی ذکر شده است.^(۳) این گزارش، برخلاف جرم‌زدایی سخنی از گونه‌شناسی کیفرزدایی به میان نمی‌آورد. با وجود این، صاحب‌نظران طرفدار این اندیشه تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای از کیفرزدایی ارائه کرده‌اند:

- کیفرزدایی تقنینی: یکی از راههای کیفرزدایی، موزون سازی ضمانت اجرای

۱- آنسل (مارک)، دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵، ص ۱۰۵.

۲- همان.

کیفری توسط خود قانونگذار است. قانونگذار برای رسیدن به این هدف راه‌حلهای متنوعی پیش روی دارد:

نخست، در نظامهایی که درجه‌بندی سه‌گانه جرایم به «جنایت، جنحه و خلاف» را معتبر می‌شمارند، قانونگذار می‌تواند جرمی را از درجه جنایی به جنحه تبدیل کند. برای نمونه در فرانسه به دلایل سیاست جنایی - از جمله، به منظور اجتناب از تشریفات سنگین آیین دادرسی معمول در دادگاههای جنایی - قانونگذار در برخی قلمروها (مانند قاچاق مواد مخدر) وصف جنایت را به جنحه تبدیل کرده است. ولی، مجازات قانونی این قبیل جنحه‌ها از نظر مدت از حداکثر حبس تأدیبی پیش‌بینی شده برای جنحه‌های عادی به میزان قابل توجهی تجاوز می‌کند.^(۱)

دوم، قانونگذار می‌تواند با بهره‌گیری از شیوه «شمارش قانونی» جرایم قابل گذشت را در متن قانون مشخص کند و به این وسیله، برای جانب دوم معادله جرم - یعنی بزه‌دیده یا شاکی - نیز جایگاه ویژه‌ای در فرایند کیفری در نظر بگیرد.

سوم، پیش‌بینی سازوکارهایی چون تخفیف، تبدیل یا معافیت از مجازات یکی دیگر از راه‌حلهای پیش روی قانونگذار برای کیفرزدایی است. قانونگذار می‌تواند در برخی جرایم نظر به همکاری و مساعدت بزه‌کاران با مقامهای تعقیب و دستگاه قضایی در کشف جرم یا معرفی مرتکبان یا همدستان امتیازهای ویژه‌ای در قالب تخفیف یا معافیت از مجازات آنان در نظر بگیرد.

چهارم، سازوکار عفو عمومی به عنوان یکی از سببهای سقوط مجازات جلوه دیگری از کیفرزدایی عمومی به شمار می‌رود. زیرا، تعیین قلمرو و شرایط آن به عهده قانونگذار است. بر این اساس، ممکن است گاه متهمان و محکومان جرایمی (مانند جرایم علیه امنیت کشور) و گاه کلیه متهمان و محکومان (صرف نظر از نوع جرم ارتكابی) مشمول سیاست عفو عمومی قرار گیرند.

۱- دلماس سارتمی (میری)، نظامهای بزرگ سیاست جنایی، جلد اول، ترجمه علی حسین نجفی

ابرنده‌آبادی، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۲۸.

کیفرزدایی قضایی: نقش مقامها و مراجع قضایی در اجرای سیاست کیفرزدایی در کنار قانونگذار از اهمیت بسیاری برخوردار است. در نظامهایی که به تشکیلاتی به نام دادسرا مجهزاند، مقامهای مربوط راهکارهای متعددی برای انتخاب دارند. برای نمونه، بازپرس یا دادستان می‌توانند با بهره‌مندی از تمهیداتی که قانونگذار پیش‌بینی کرده است از اختیاراتی مانند منع، موقوفی یا تعلیق تعقیب استفاده کنند. همچنین، دادرسان نیز می‌توانند از اختیاری که به موجب قانون در جهت فردی کردن قضایی مجازات‌ها دارند برای تخفیف مجازات یا تعلیق اجرای آن بهره‌برداری کنند.

کیفرزدایی اجرایی: با توجه به نقش مهمی که پلیس در کنار دادسرا و دادگاهها ایفا می‌کند می‌توان جلوه دیگری از سیاست کیفرزدایی را در برخی کشورها ملاحظه کرد. برای نمونه، در نظامهایی که به خانواده حقوقی کاملاً تعلق دارند یا از آموزه‌های این خانواده الهام گرفته‌اند - بویژه، انگلستان و ولز - پلیس می‌تواند با استفاده از روشهایی چون اخطار (Caution) یا هشدار (Warning) اساساً از ورود مرتکب به فرایند کیفری جلوگیری کند. بکارگیری سازوکار «عدالت خصوصی» (Private Justice) نیز در همین ردیف قرار می‌گیرد که در جریان آن، نهادهای خصوصی (مدنی) می‌توانند به کنترل اعضای خود یا افراد پردازند^(۱) (کنترل غیر رسمی).

در همه این موارد، هدف دست اندرکاران سیاست جنایی پرهیز از درگیر شدن مرتکبان در فرایند عدالت کیفری یا در صورت ورود به این فرایند جلوگیری از ادامه مسیر آنان یا منحرف کردن آن به سمتی مناسبتر است. به همین جهت، زمانی که به استراتژی عقب نشینی یا تحدید گستره حقوق جزا از این زاویه نگریسته می‌شود جلوه جدیدی از سیاست جنایی با عنوان «قضازدایی» (Diverison) بروز می‌کند که با پیدایش نظریه‌های جرم‌شناسی و اکنش اجتماعی در آمریکای شمالی فرصت مناسبی برای رشد و پیشرفت پیدا کرد. گزارش کمیته اروپایی ویژه مسائل جنایی با جدا کردن مفهوم

1- Asquith (stewart), A Review of criminal Justice Related Services for Young Adult Offenders, 1994, p.25.

قضازدایی از مفاهیم دو گانه قبل، آن را «جلوگیری از تعقیب یا متوقف ساختن آن با توسل به روشهای غیرکیفری، هنگامی که نظام عدالت کیفری به طور قانونی صالح به رسیدگی است» تعریف می‌کند.^(۱) بدین ترتیب در مفهوم اخیر نیز با حفظ عنوان مجرمانه رفتار ارتكابی، تنها، صلاحیت رسیدگی و تصمیم‌گیری درباره آن با توسل به پاسخهای مدنی، اداری، تربیتی - و بویژه، اجتماعی - از صلاحیت نظام عدالت کیفری خارج می‌شود. گفتنی است در یکی از جدیدترین طبقه‌بندی‌ها کلیه گونه‌های تدابیر پیش گفته زیر عنوان «قضازدایی» گنجانده شده‌اند.

در این طبقه‌بندی، قضازدایی به سه شکل مطرح می‌شود:

نخست، قضازدایی در چارچوب اجتناب از درگیر شدن در فرایند عدالت کیفری (از طریق تدابیری مانند اخطار پلیس یا صرف نظر کردن کامل از تعقیب)؛

دوم، قضازدایی در چارچوب جلوگیری از ادامه مسیر در فرایند کیفری (از طریق تدابیری مانند میانجیگری و سازش)؛

سوم، قضازدایی در مرحله اجرای محکومیت بویژه در قالب جلوگیری از اجرای مجازات حبس (از طریق اقدامهایی چون تعلیق مراقبتی یا تبدیل حبس به جریمه نقدی)^(۲)

بدین ترتیب می‌توان گفت میان کیفرزدایی و قضازدایی ملازمه و پیوندی نزدیک وجود دارد: از یک سو، زمانی که با اتخاذ تدابیری چون پیگیری نکردن موضوع در مراحل نخستین فرایند کیفری، از ورود مرتکب به این فرایند جلوگیری می‌شود (قضازدایی)، هدف به اجرا در نیامدن مجازات نیز تحقق می‌یابد (کیفرزدایی)؛ از سوی دیگر، وقتی با به کارگیری سازوکارهایی چون تعلیق مجازات، از اجرای آن ممانعت به عمل می‌آید (کیفرزدایی)، سیاست جلوگیری از ادامه مسیر مرتکب در فرایند کیفری جامه عمل می‌پوشد (قضازدایی).

1- European committee on crime problems, op. cit, p.17-18.

2- Asquith (stewart), op. cit, p.24.

ب) جلوه‌های استراتژی عقب‌نشینی حقوق جزا در ایران

نظام عدالت کیفری ایران به طور کلی فاقد یک سیاست جنایی منسجم مبتنی بر استراتژی عقب‌نشینی است و آنچه در دهه‌های اخیر - و بویژه پس از پیروزی انقلاب - توجه قانونگذاران ما را بیشتر به خود جلب کرده استراتژی پیشروی از طریق توسل گسترده به سازوکار جرم‌انگاری بوده است. بدین ترتیب در وضعیت کنونی رخداد بحران ناشی از زیاده‌روی در جرم‌انگاری و بروز پدیده تورم کیفری بیش از هر چیز ضرورت به کارگیری استراتژی عقب‌نشینی را در چارچوب یک سیاست‌گذاری سنجیده آشکار می‌سازد. در این میان از یک سو، جرم‌زدایی در برخی زمینه‌ها نخستین گام محسوب می‌شود و بنابراین باید به شناسایی جلوه‌های تحقق‌پذیر آن همت گماشت. از سوی دیگر، در زمینه کیفرزدایی و قضازدایی جلوه‌های پراکنده‌ای به چشم می‌خورد که به نظر ما به طور ناخودآگاه - و نه در چارچوبی منسجم - به قوانین و مقررات کیفری راه یافته است. با این توضیح، بخش دوم از این مقاله را به بررسی مهمترین جلوه‌های این استراتژی اختصاص خواهیم داد.

۱- جلوه‌های تحقق‌پذیر جرم‌زدایی

اخذ یک سیاست کیفری قهرآمیز و سرکوبگرانه در دو دهه اخیر با توسل به سازوکار جرم‌انگاری گسترده و خطر روز افزون پدیده تورم کیفری - به عنوان مهمترین پیامد زیانبار آن - بازنگری در رویکرد اتخاذ شده را ضروری ساخته است. چنان‌که گفتیم این بازنگری در نخستین گام با به کارگیری یک استراتژی عقب‌نشینی از طریق جرم‌زدایی در برخی زمینه‌ها تحقق‌پذیر است.^(۱) مهمترین جلوه‌های تحقق‌پذیر جرم‌زدایی را در نظام عدالت کیفری ایران به شرح زیر می‌توان برشمرد:

۱- گفتنی است در بند (۱) از ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ این امکان به صراحت پیش‌بینی شده است. به موجب این بند: «اگر عملی که در گذشته جرم بوده به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود در این صورت حکم قطعی اجرا نخواهد شد و اگر در جریان اجرا باشد موقوف الاجرا خواهد شد. در این دو مورد و همچنین در مواردی که حکم قبلاً اجرا شده باشد هیچ‌گونه اثر کیفری بر آن مترتب نخواهد بود».

۱-۱- جرایم اخلاقی و عفاف

جرایم علیه اخلاق و مذهب در تاریخ تحولات کیفری از نخستین زمینه‌های مناسب برای جرم‌زدایی - بویژه در کشورهای اروپایی - به شمار می‌روند. جرم‌زدایی در این قلمروها به زیاده‌رویهای آبای کلیسا در سده‌های میانه بازمی‌گردد. به طور کلی در ۲۰۰ سال اخیر، اروپاییان و سپس کشورهای آمریکای شمالی سهم عمده‌ای در جرم‌زدایی از جرایم اخلاقی و مذهبی داشته‌اند و حتی در مواردی چون همجنس‌گرایی شاید بتوان گفت تا اندازه‌ای راه زیاده‌روی پیموده‌اند. روشن است که بافت فرهنگی جوامع غربی در تحقق جرم‌زدایی در این زمینه‌ها تأثیر بسزایی داشته است. بدین ترتیب در نظامهایی که بافت اجتماعی آن از سنتها و باورهای اخلاقی، اعتقادی (مذهبی) پیروی می‌کند به کارگیری استراتژی جرم‌زدایی در قلمرو اخلاق و مذهب، دشوار - و بلکه غیرممکن - به نظر می‌رسد. در نظام عدالت کیفری جمهوری اسلامی ایران، انطباق قوانین کیفری با موازین شرعی (براساس اصل چهارم قانون اساسی) مسلم و انکارناپذیر شمرده شده است. بدین ترتیب، جرم‌زدایی در قلمروهایی چون حدود به دلیل مبنای تغییرناپذیر آنها در تفکر اسلامی قابل تصور نیست. ولی، در محدوده تعزیرات به مواردی می‌توان اشاره کرد. برای نمونه، مطابق ماده ۶۳۸ از فصل هجدهم قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ (زیر عنوان جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی) رفتار کسی که در انظار و اماکن عمومی و معابر به طور علنی تظاهر به عمل حرامی می‌کند، جرم و قابل مجازات شناخته شده است. (تأکید از ماست) بنابراین، قانونگذار با گنجانیدن عبارت کلی «عمل حرام» و بدون ارائه تعریف و مصادیق آن، دامنه جرم‌انگاری این ماده را تا مرز بی‌نهایت گسترش داده است. چه، براساس مفاد ماده یاد شده اگر نفس عمل حرام دارای کیفر نباشد، بازهم جرم و مستوجب مجازات است. بدین ترتیب، می‌توان پرسید در شرایطی که چنین معیاری رفتارهای بی‌شماری را در برمی‌گیرد که هر یک بر اساس میل و سلیقه خاصی قابل تفسیراند، آیا منطقی است که اعمال حرامی چون تظاهر به شرب‌خمر و نگاه به نامحرم به یک جرم رانده شوند؟!.

باری، چنان که پیشتر نیز گوشزد کرده‌ایم^(۱)، مفهوم قانونی بودن جرم و مجازات فقط پیش‌بینی یک ماده در قانون مجازات اسلامی نیست، بلکه روشنی، صراحت و دقت متون کیفری چنان با هم در آمیخته‌اند که با سلب آنها اصل قانونمندی جرم و مجازات از اعتبار می‌افتد. متأسفانه، دست‌اندرکاران عدالت کیفری ایران اخیراً از طریق مراجع انتظامی به صدور اطلاعیه‌های تهدیدآمیزی مبادرت ورزیده‌اند که این بار با ابداع مفهوم جدیدی به نام «مظاهر فساد» گرهی دیگر بر کلاف سردرگم قانونمندی و قانون‌مداری افزوده است. در این اطلاعیه‌ها رفتارهایی چون: «آموزش رانندگی به بانوان فاقد محارم همراه توسط مربی مرد و عدم رعایت ظواهر و حجاب شرعی توسط مربیان و تعلیم گیرندگان رانندگی»، «پخش هر نوع موسیقی از درون اتومبیل یا واحدهای صنفی مربوط به طوری که صدای آن از بیرون شنیده شود»، «پذیرایی و ارائه هرگونه خدمات به زنان فاقد حجاب شرعی و یا دارای آرایشهای غلیظ و زننده در واحدهای صنفی پذیرایی مانند رستوران...»، «فروش لباسهای زیر زنانه توسط فروشنده مرد به خریدار زن بدون همراه مرد» و... ممنوع و به مرتکبان هشدار داده شده که با آنان مطابق مقررات موجود برخورد خواهد شد. پرسشی که پیش می‌آید این است که آیا تهیه‌کنندگان این اطلاعیه‌ها اندکی تأمل نکرده‌اند که با انتشار متنی با چنین لحنی تند و تهدیدآمیز چه قضاوتی را از سوی افکار عمومی برمی‌انگیزند؟

باری، در اینجا زیاده‌روی در استراتژی پیشروی کیفری پیامدهایی فراتر از پدیده تورم کیفری به همراه دارد که از مهمترین آنها می‌توان به رواج و گسترش بی‌نظمی، هرج و مرج، تصفیه حسابهای شخصی، اعمال سلیقه‌های فردی و در نهایت، نافرمانی مردم از قوانین اشاره کرد. بنابراین، در قلمرو جرایم اخلاقی قابل تعزیر، جرم‌زدایی از عمل حرام در چارچوب زدودن اطلاق و ابهام از مفهوم و ارائه تعریف و مصداق‌هایی منطقی و مشخص از آن یک ضرورت به نظر می‌رسد.

۱- رایجیان اصلی (مهرداد)، معنای مجازات معاون جرم در قانون مجازات اسلامی، مجله حقوقی و قضایی دادگستری شماره ۴۰، پاییز ۱۳۸۱، ص ۵۵.

۱-۲- جرایم مواد مخدر

سیاست جنایی نوین مبارزه با مواد مخدر با تأکید بر تمایز میان پدیده قاچاق و اعتیاد رویکردی دوگانه در این زمینه در پیش گرفته است. بارزترین و سنتی‌ترین شیوه مبارزه با این پدیده را «روش کیفری» - یعنی جرم‌انگاری آن با تعیین مجازاتهایی در قانون - شکل می‌دهد که امروزه به رشته مستقلمی به نام «حقوق کیفری مواد مخدر» تحوّل یافته است. حقوق کیفری مواد مخدر در زمینه قاچاق، از سیاست شدت عمل و سرکوبی و در قلمرو اعتیاد از سیاست درمان و بازپروری پیروی می‌کند و حتی جرم‌زدایی از مصرف مواد مخدر سبک (ملایم)^(۱) را بهترین راه‌حل می‌شناسد. با نگاهی به مقررات دو دهه اخیر ایران در زمینه مواد مخدر می‌توان دریافت که مسیر تحوّل سیاست مبارزه با این پدیده مجرمانه نیز به سوی یک سیاست جنایی افتراقی جهت یافته است. برهمن اساس، مجمع تشخیص مصلحت نظام، نخست با تصویب قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۶۷ ورود، صدور، تولید، نگهداری، حمل، خرید، فروش و توزیع انواع مواد مخدر و کشت خشخاش و شاهدانه را به منظور تولید مواد مخدر از یک سو، و استعمال مواد مخدر را از سوی دیگر جرم اعلام کرد و مجازاتهای سختی چون اعدام، حبس، شلاق و جریمه نقدی برای مرتکبان در نظر گرفت. با ناکارآمدی این سیاست تقنینی در مهار و کنترل پدیده مواد مخدر، مجمع تشخیص مصلحت نظام این بار با اصلاح قانون یاد شده در سال ۱۳۷۶ سیاست شدیدتری نسبت به مرتکبان جرایم مواد مخدر اتخاذ کرد. سرانجام، در اجرای ماده ۳۳ قانون اصلاحی ۱۳۷۶، ستاد مبارزه با مواد مخدر در تاریخ ۱۳۷۷/۱۱/۲۰ آیین نامه ویژه‌ای را با عنوان «پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر» از تصویب گذارنده و در آن از الگوی سه‌گانه پیشگیری - یعنی پیشگیری نخستین (پیشگیری از اعتیاد)، پیشگیری دومین (حمایت از

۱- Soft drugs: مواد مخدری که بدون اعتیاد فیزیولوژیکی، تنها اعتیاد روانی ایجاد می‌کند، مانند ماری جوانا و حبشیش (فرهنگ آموزشی مبارزه با مواد مخدر، ندوبن: علی غنجی، اداره کل پشتیبانی آموزش ناجا، ۱۳۷۸، ص ۸۶).

افراد در معرض خطر اعتیاد) و پیشگیری سومین (درمان معتادان مواد مخدر) پیروی کرده است. اگرچه تصویب آیین‌نامه پیشگیری از اعتیاد یکی از نقطه‌های امیدوارکننده سیاست جنایی ایران در قبال مواد مخدر به شمار می‌رود، ولی اعتبار قانون اصلاحی ۱۳۷۶ و عدم تمایز دقیق قاچاقچیان سازمان یافته، خُرده‌پا و معتادان از یک سو، و نیز پیش‌بینی مجازات‌های ناکارآمدی چون اعدام و شلاق از سوی دیگر، از بارقه‌های این امید کاسته است. زمانی که روند تحولات سیاست جنایی در قبال مواد مخدر در سطح جهان به سوی اتخاذ یک استراتژی عقب‌نشینی با اولویت بازپروری بر سرکوب در حرکت است، بازاندیشی آن در چارچوب نظام عدالت کیفری ایران بیش از پیش یک ضرورت احساس می‌شود هرچند در ماده ۱۵ قانون اصلاحی ۱۳۷۶ با جرم‌انگاری اعتیاد به معتادان اجازه داده شده تا برای بازپروری به مراکز درمانی مراجعه کنند، ولی نباید فراموش کرد که تحقق آن مستلزم وجود امکاناتی است که در ماده پیش‌بینی شده است، چه در غیر این صورت، اجرای آن میسر نخواهد بود. بنابراین با ناکافی بودن چنین تدابیری در شرایط حاضر، جرم‌زدایی از اعتیاد - دست‌کم در مورد مواد مخدر سبک - به نفع جرم‌انگاری مواردی چون «تطهیر درآمدهای ناشی از قاچاق مواد مخدر، در رأس موضوعاتی قرار دارد که باید پیش از پیش به آن توجه کرد.

۱-۳- جرایم مالی و اقتصادی

یکی از جرایمی که در قلمرو جرایم مالی و اقتصادی کشور در سالهای اخیر برای جرم‌زدایی مناسب تشخیص داده شده «صدور چک پرداخت نشدنی» است. به طور کلی در حقوق ایران، تا پیش از سال ۱۳۴۴ صدور چک بدون محل به موجب ماده ۲۳۴ قانون مجازات عمومی، تنها در چارچوب کلاهبرداری جرم شناخته می‌شد. ولی، نخست در سال ۱۳۴۴ و سپس در ۱۳۵۵ صدور چک پرداخت نشدنی عنوان جرم مستقلی پیدا کرد. قانون اصلاح صدور چک مصوب ۱۳۷۲ نیز با هدف کاهش میزان صدور چک‌های پرداخت نشدنی، دایره جرم‌انگاری در این قلمرو را گسترش داد. ولی، از آنجا که چنین شدت عملی پیش از آن و در قلمروهای دیگری چون مواد مخدر و جرایم رانندگی

مثمر‌تر واقع نشده بود، میزان جرایم چک نیز همچنان رو به افزایش نهاد. بروز این وضع، حقوقدانان و جرم‌شناسان کشور را به چاره‌اندیشی واداشته و در این میان پیشنهادهای گوناگونی درباره حلّ این معضل به نیروهای سه‌گانه حاکم ارائه شده است: گروهی، جرم‌زدایی کامل از صدور چک پرداخت نشدنی را پیشنهاد کرده‌اند. به زعم ایشان با بازگشت به رویه قانونی پیش از سال ۱۳۴۴ و با الگوبرداری از مقررات کشورهای چون فرانسه، صدور چک، تنها با اثبات سوءنیت صادرکننده و در چارچوب کلاهبرداری باید جرم شناخته شود. در این صورت، صدور چک فقط وسیله‌ای برای تحقق کلاهبرداری است و در هیچ مورد دیگری عنوان مجرمانه مستقل ندارد. بر همین اساس در طرح اصلاحی اخیر قانون چک یکی از پیامهای اساسی تنظیم‌کنندگان طرح: «حقوقی شدن رسیدگی به چکهای بلامحل» - یعنی جرم‌زدایی از آنها - عنوان و تنها در تبصره ماده ۵، صدور چک پرداخت نشدنی با شرایطی کلاهبرداری شناخته شده است. با وجود این، به عقیده برخی دادرسان مفاد ماده ۵ طرح اصلاحی با پیام اصلی طرح مبنی بر جرم‌زدایی از چکهای پرداخت نشدنی مغایرت دارد^(۱) و به همین خاطر برخی حتی پیشنهاد حذف آن را مطرح ساخته‌اند.^(۲)

- گروهی دیگر با انتقاد از جرم‌انگاری چکهای تضمینی، مشروط، وعده‌دار یا سفید امضا (موضوع ماده ۱۳ قانون ۱۳۷۲) فقط جرم‌زدایی در این قلمرو را کارساز انگاشته‌اند.^(۳) به نظر این عده، جرم‌انگاری صدور این چکها با عرف متداول بازار و حاکم بر جامعه همخوانی ندارد و به همین جهت مفاد ماده ۱۳ قدرت اجرایی خود را از دست داده است.

به نظر ما در شرایط کنونی، جرم‌زدایی کامل از صدور همه گونه‌های چک پرداخت

۱- صدقی (غلامعلی)، نقد لایحه پیشنهادی فوه قضائیه و طرح نمایندگان مجلس شورای اسلامی راجع به قانون چک، بخش دوم، روزنامه اطلاعات، ۸ شهریور ۱۳۸۰، ص ۱۱.
 ۲- ربیعی، نقد و بررسی طرح اصلاح قانون صدور چک، بخش سوم، روزنامه اطلاعات، ۱۹ مهر ۱۳۸۰، ص ۱۱.
 ۳- صدقی (غلامعلی)، همان، بخش اول، ۲۵ مرداد ۱۳۸۰، ص ۱۱.

نشدنی درست و منطقی نیست و همان‌طور که برخی حقوقدانان نیز بیان کرده‌اند به کارگیری چنین سیاستی، تنها به صورت هدف نهایی مطلوب است.^(۱) بنابراین در آغاز بهتر است با محدود کردن گستره جرم‌انگاری قانون ۱۳۷۲، استراتژی جرم‌زدایی از چک‌های پرداخت نشدنی را با حزم و دوراندیشی بیشتری به محک تحلیل گذاشت.

۱-۴- جرایم راهنمایی و رانندگی

جرایم راهنمایی و رانندگی همواره به عنوان یکی از زمینه‌های مناسب لازم جرم‌زدایی در دهه‌های اخیر شناخته شده است. در نظام‌هایی که از طبقه بندی سه گانه جرایم - جنایت، جنحه و خلاف - پیروی می‌کنند، نقض مقررات راهنمایی و رانندگی اصولاً تخلف محسوب می‌شود. حتی در مواردی که این تخلفات به جرایمی چون قتل غیر عمدی منتهی می‌شوند، به دلیل وجود نداشتن سوء نیت و قصد مجرمانه بازهم جرم‌انگاری آنها روا دانسته نشده است. در نظام عدالت کیفری ایران با وجود تصویب مقررات ویژه‌ای در این زمینه - مانند آیین نامه راهنمایی و رانندگی مصوب ۱۳۴۷ و اصلاحات بعدی آن - در فصل بیست و نهم از قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ با عنوان «جرایم ناشی از تخلفات رانندگی» مقرراتی پیش‌بینی شده است. صرف نظر از جرم انگاریهای مرتبط با قتلها و صدمه‌های ناشی از تخلفات رانندگی (موضوع مواد ۷۱۴ تا ۷۱۹) مواردی در این قانون به چشم می‌خورد که صرفاً تخلف رانندگی یک جرم کیفری شناخته شده است.

برای نمونه در مواد ۷۲۰، ۷۲۱ و ۷۲۴ از این قانون رفتار کسانی که در ارقام و مشخصات پلاک وسیله نقلیه تغییری بدهند یا مقررات اوراق کردن وسیله نقلیه را رعایت نکنند یا در دستگاه ثبت سرعت وسیله نقلیه عمداً تغییری ایجاد کنند... جرم و مستوجب مجازات‌هایی چون حبس و جریمه نقدی شناخته شده است. همچنین در ماده ۷۲۳ تخلف رانندگی بدون پروانه جرمی به حساب آمده که در همان مرتبه نخست،

۱- کلانتری (کیومرث)، تحلیل بحران در حقوق کیفری موضوعه ایران و راهکارهای خروج از آن، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، تابستان ۱۳۸۱، ص ۳۱۱.

مرتکب را در معرض محکومیت به زندان قرار می‌دهد.

به نظر ما، در همه این موارد با توجه به پیامدهای زیانباری که اجرای محکومیت حبس مقرر به همراه دارد می‌توان با تغییر عنوانهای مجرمانه آنها از جرم کیفری به تخلف انضباطی - اداری از آنها جرم‌زدایی کرد.

۱-۵- جرایم به کارگیری تجهیزات ماهواره‌ای

یکی از اصول‌گیرناپذیری که هر قانونگذار باید آن را الگوی خویش قرار دهد انطباق قوانین کیفری با تحولات جامعه و همخوانی آن با افکار عمومی است. قانونگذار با تدبیر همواره به این موضوع مهم واقف است که دگرگونی ارزشهای اجتماعی - بویژه در جوامع امروزی - تأثیر مستقیمی بر کنترل بزهکاری دارد. وانگهی، قانونی که بدون در نظر گرفتن پذیرش همگانی یا اکثریت افراد جامعه تصویب شده باشد، در ایفای رسالت خود ناکام خواهد ماند. به بیانی دیگر، چنین قوانینی ممکن است خود، جرم‌زا تلقی شوند. نمونه بارزی که در سالهای اخیر بدون توجه به این موضوع به سیاهه ممنوعیتهای کیفری ما افزوده شد، «قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره» مصوب ۱۳۷۳ است. این قانون، ورود، تولید، توزیع، حمل، نگهداری، نصب، تعمیر و حتی استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای را جرم انگاشته و مجازاتهایی چون جریمه نقدی، ضبط و مصادره برای آنها در نظر گرفته است. توجه به این واقعیت که با گذشت نزدیک به یک دهه از تصویب قانون یاد شده، ممنوعیتهای مندرج در آن هیچ تأثیری در کنترل این پدیده نداشته و بر عکس، میزان جرایم خلق شده سیر صعودی پیموده است، از نادرستی سیاست جنایی تقنینی در این قلمرو حکایت می‌کند. تردیدی نیست که پافشاری بر حفظ جنبه مجرمانه این پدیده و تشدید مجازات آن گره‌گشا نخواهد بود، بلکه پرسش اصلی اینجاست در شرایطی که استفاده از آنتنهای ماهواره‌ای در پشت بامها به مانند آنتنهای تلویزیونی چنان رواج یافته است که از مخفی کردن آنها خودداری می‌شود، آیا می‌توان به مبارزه با این پدیده برخاست؟ اگر چنین است، پس پدیده اینترنت را نیز باید به شمار این ممنوعیتهای افزود. ولی، آیا تجربه ممنوعیت به کارگیری

ویدئو در دهه گذشته برای سیاستگذاران جنایی ما آموزنده نبوده است؟ وانگهی، نباید فراموش کرد که به موجب ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و رأی وحدت رویه شماره ۶۴۵ مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۳، صرف نگهداری از وسایل و تجهیزاتی چون ویدئو و ماهواره، در صورتی که به منظور تجارت و توزیع نباشد، جرم نیست. گذشته از اینها، تناقض دیگری که در بطن قانون ممنوعیت ماهواره نهفته است با توجه به ماده ۷ قانون مجازات اسلامی معنا پیدا می‌کند که جرایم ارتكابی ایرانیان خارج از کشور را براساس اصل صلاحیت شخصی قوانین جزایی، تابع قوانین ایران می‌داند. براین اساس، ایرانیانی را که در خارج از کشور از تجهیزات ماهواره‌ای استفاده می‌کنند و به تماشای کانالهایی غیر از برنامه‌های ماهواره‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌پردازند باید به صف بی‌شمار قانون شکنانی افزود که چنانچه در ایران یافت شوند مطابق قانون مصوب ۱۳۷۳ با آنها برخورد خواهد شد. بنابراین، هزینه جرم‌انگاری استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای فراتر از پدیده تورم کیفری است و پیامدهای زیانباری چون متروک ماندن قانون و بی‌توجهی و نافرمانی مردم از آن را در برمی‌گیرد. امید است مجلس شورای اسلامی در طرحی که برای اصلاح قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات ماهواره‌ای در دستور کار خود قرار داده است، با امعان نظر به این واقعیتهای تدبیری منطقی و مناسب برای این پدیده بیاندهد.

۲- جلوه‌های کیفرزدایی / قضازدایی

زدودن ضمانت اجرای کیفری از پدیده مجرمانه یا موزون ساختن جرم و پاسخ آن - یعنی کیفرزدایی - پیشینه بیشتری در حقوق کیفری ایران دارد. مقرراتی که در زمینه گذشت پذیری جرایم، تعلیق، تعقیب، تخفیف یا تعلیق مجازات و آزادی مشروط به قوانین کیفری داخلی راه یافته‌اند جلوه‌هایی از استراتژی تحدید گستره حقوق جزا از طریق کیفرزدایی محسوب می‌شوند که بیشتر آنها بازمانده مقررات پیشین - از جمله، قانون مجازات عمومی سابق - است. از آنجا که نتیجه این سازوکارها، پرهیز از درگیر شدن مرتکبان در فرایند عدالت کیفری یا جلوگیری از ادامه مسیر آنها در این فرایند

است، تدابیر اتخاذ شده در راستای تحقق این هدف را جلوه‌ای از سیاست قضازدایی نیز می‌توان انگاشت.^(۱)

۱-۲- کیفرزدایی از طریق سازوکار توبه و انکار

اگرچه در ابتدا تصور به کارگیری استراتژی عقب نشینی حقوق جزا در قلمرو حدود و قصاص و دیات - برخلاف تعزیرات - دشوار به نظر می‌رسد، ولی در این قلمروها نیز می‌توان جلوه‌های پراکنده‌ای از این استراتژی را در چارچوب کیفرزدایی شناسایی کرد؛ از جمله در کتاب دوم از قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ - با عنوان حدود - توبه مرتکب با شرایطی در اسقاط حدّ شرعی مؤثر شناخته شده است. برای نمونه می‌توان به مواد ۸۱، ۷۲ (در باب زنا)؛ ۱۲۵ و ۱۲۶ (در باب لواط)؛ ۱۳۲ و ۱۳۳ (در باب مساحقه)؛ ۱۸۱ و ۱۸۲ (در باب شرب خمر)؛ ۱۹۴ (در باب محاربه)^(۲) و ۲۰۰ (در بابت سرقت) اشاره کرد^(۳) که سیاست کیفرزدایی در آنها از طریق توبه مرتکب (با شرایط خاصی) به اجرا در می‌آید. همچنین در ماده ۷۱ از همان قانون انکار زانی پس از اقرار به زنا با شرایطی در سقوط حدّ شرعی مؤثر دانسته شده است.

۲-۲- کیفرزدایی از طریق سازوکار عفو

تأسیس عفو - به هر دو شکل عمومی و خصوصی - همواره یکی از جلوه‌های بارز کیفرزدایی در حقوق ایران بوده است. در قلمرو عفو عمومی - که موارد به کارگیری آن کمتر به چشم می‌خورد - می‌توان به لایحه قانونی عفو عمومی متهمان و محکومان جزایی (مصوب ۱۳ شهریور ۱۳۵۸) اشاره کرد که کلیه کسانی را که تا تاریخ

۱- ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامه اجرایی آن، تنها باهدف کاهش مراجعه‌های مردم به دادگاههای قضایی و توسعه مشارکتهای مردمی، حل و فصل دعاوی شکایتهای رسیدگی به جرایمی که از مجازاتهایی چون جزای نقدی (تا سقف پنج میلیون ریال) و حبس (مانند جرایم رانندگی) برخوردارند. ب. - اشوراهای حل اختلاف با گذار شده است اتخاذ چنین رویکردی نه تنها با فلسفه قضازدایی سازگاری دقیقی ندارد بلکه موجبات بائمال شدن حقوق متهمان و محکومان را نیز فراهم می‌سازد.

۲- براساس فقه اسلامی - شیعه و سنی - توبه محارب پیش از دستگیری حدّ را ساقط می‌کند.

۳- مطابق نظر فقهای امامیه در جرایم زنا، لواط، مساحقه، شرب خمر و سرقت توبه پیش از اقامه بینه مسقط حد است.

۱۳۵۸/۲/۱۸ در مراجع قضایی مورد تعقیب قرار گرفته بودند، از تعقیب یا مجازات معاف کرد. ولی، در قلمرو عفو خصوصی ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ با پیش‌بینی سازوکار عفو یا تخفیف مجازات محکومان از طریق پیشنهاد رییس قوه قضائیه و موافقت مقام رهبری با رعایت حدود موازین اسلامی، امکان اجرای سیاست کیفرزدایی را فراهم ساخته است. سکوت قانونگذار درباره متهمان و روشن نبودن عبارت «حدود موازین اسلامی» در این ماده از جمله ایرادهایی است که توجه به آن ضرورت دارد.

۲-۳- کیفرزدایی از طریق سازوکار گذشت بزه‌دیده یا شاکی

علاوه بر سازوکار گذشت صاحبان خون بزه‌دیدگان در قلمرو حدود، قصاص و دیات^(۱)، پیش‌بینی جرایم قابل گذشت به شیوه شمارش قانونی در قلمرو تعزیرات نیز یکی از جلوه‌های کیفرزدایی/قضازدایی به شمار می‌رود. قانونگذار ایران هم به زعم خود با پیش‌بینی ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ به شمارش جرایم قابل گذشت مبادرت ورزیده است. ولی، با نگاهی به این ماده می‌توان دریافت که معیارهای اصولی جرایم قابل گذشت در آن رعایت نشده، زیرا در این جرایم انصراف بزه‌دیده از موجبات صدور قرار موقوفی تعقیب است، حال آن‌که گذشت بزه‌دیده یا شاکی در ماده ۷۲۷ در تخفیف مجازات یا صرف نظر کردن از تعقیب کیفری با رعایت موازین شرعی و اختیار قاضی مؤثر دانسته شده است. در نتیجه، قاضی در صدور قرار موقوفی تعقیب، برخلاف اصل، تکلیفی ندارد.^(۲) بدین ترتیب، بازنگری ماده ۷۲۷ از این زاویه لازم به نظر می‌رسد. گذشته از اینها، با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری (مصوب ۱۳۷۸)، در صورت درخواست مدعی مبنی بر ترک محاکمه و صدور قرار ترک تعقیب توسط دادگاه (تبصره ماده ۱۷۷)، جلوه‌ای جدید از سیاست کیفرزدایی

۱- برای نمونه می‌توان به بند ۳ ماده ۱۶۱ (در باب حدّ قذف)؛ مواد ۲۰۸ و ۲۶۸ (در باب قصاص) و ماده ۲۹۷ (در باب دیات) از قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ اشاره کرد.

۲- رایجیان اصلی (مهرداد)، سیری در مبانی فقهی، راهکارهای قضایی و نوآوریهای تقنینی در نظام بزه‌های قابل گذشت ایران، مجله کانون سردفتران و دفتر یاران، شماره ۲۰، ۱۳۷۹، ص ۱۰۷.

- و به طور دقیقتر: قضازدایی - ابداع شده است که البته این تأسیس از آن جهت که مانعی برای طرح دوباره شکایت شناخته نشده تأمل برانگیز به نظر می‌رسد.

۴-۲- کیفرزدایی از طریق تعلیق تعقیب

در نظامهایی که از اصل مناسب بودن تعقیب کیفری پیروی می‌کنند، تعلیق تعقیب یکی از گونه‌های بارز کیفرزدایی قضایی به شمار می‌رود و از آنجا که هدف پرهیز از درگیر شدن متهم یا بزهکار را در فرایند کیفری دنبال می‌کند، جلوه‌ای از قضازدایی نیز محسوب می‌شود. پیشینه نهاد تعلیق تعقیب در ایران به ماده ۴۰ مکرر قانون آیین دادرسی ۱۳۲۹ و ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری ۱۳۵۶ باز می‌گردد. براساس مفاد این دو ماده که در زمان اعتبار دادرسی در تشکیلات قضایی ایران تنظیم شده بود، دادستان با لحاظ شرایطی می‌توانست از تعقیب کیفری متهم خودداری کند. متأسفانه این تدبیر کارآمد در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ مسکوت مانده است و چنین به نظر می‌رسد که جز در محدوده مراجع اختصاصی - مانند دادرسی نظامی و دادرسی ویژه روحانیت - جایگاهی در نظام عدالت کیفری ایران ندارد. بنابراین، احیای آن در جهت تقویت هرچه بیشتر سیاست کیفرزدایی/ قضازدایی ضرورتی انکارناپذیر است.

۵-۲- کیفرزدایی از طریق موقوفی تعقیب و در قلمرو جرایم مواد مخدر

در قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر (مصوب ۱۳۷۶) با پیش‌بینی تدبیر جالب توجهی ضمن جرم انگاشتن اعتیاد به کلیه معتادان اجازه داده شده تا با معرفی خود به مراکز مجازی که از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مشخص می‌شود نسبت به درمان و بازپروری خود اقدام کنند (ماده ۱۵). معتادان در طول درمان و بازپروری از تعقیب کیفری جرم اعتیاد معاف شناخته می‌شوند (تبصره ۱) و در صورت معرفی، قرار موقوفی تعقیب آنان صادر خواهد شد (ماده «۴» آیین نامه اجرایی). به عقیده برخی حقوقدانان پیش‌بینی چنین تدابیری با وجود امتیازهایی که دارد خالی از اشکال نیست. چه، معاف ساختن معتادان از تعقیب کیفری ممکن است در همه موارد میسر نباشد، بویژه در شرایطی که مراکز درمان و بازپروری مورد نیاز در دسترس نباشد، مقام تعقیب

در عمل نمی‌تواند از این تدبیر استفاده کند که در نتیجه، زندانی شدن یا فرورفتن بیشتر در ورطه اعتیاد را برای معتاد به دنبال خواهد داشت.^(۱)

گذشته از اینها، به کیفرزدایی در قلمرو جرایم مواد مخدر به عنوان یک هدف مطلوب نیز می‌توان نگاه کرد. چه، به منظور تراکم زدایی از حجم کار دادگاهها و تورم زدایی از جمعیت کیفری می‌توان در مواردی که در حقوق اداری، انضباطی، حقوق بانکی، حقوق مدنی و سایر نظامهای حقوقی، پاسخهای مناسبی برای جرایم مواد مخدر-بویژه مصرف و اعتیاد به این مواد- پیش‌بینی شده است با لغو پاسخ کیفری، رسیدگی به آن را از صلاحیت عدالت کیفری خارج کرد^(۲) (فضازدایی).

۲-۶- کیفرزدایی از طریق تخفیف یا تبدیل مجازات

ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ با پیش‌بینی سازوکار تخفیف یا تبدیل مجازاتهای تعزیری و بازدارنده، این امکان را برای قاضی فراهم ساخته است تا با استفاده از اختیار قانونی خود به اجرای سیاست کیفرزدایی کمک کند. همچنین در مواردی که قانونگذار به معافیت از مجازات یا تخفیف آن حکم داده است (مانند مواد ۵۰۷، ۵۲۱، ۵۳۱، تبصره ۲ ماده ۷۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵) نمونه‌هایی از کیفرزدایی تقنینی را می‌توان مشاهده کرد. مقررات تبدیل الزامی و اختیاری مجازات در «قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین» مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ را نیز باید در همین ردیف قرار داد.

در همه این موارد، سیاست کیفرزدایی در چارچوب موزون ساختن پاسخ کیفری به پدیده مجرمانه (از طریق تخفیف یا تبدیل مجازات) یا زدودن آن پاسخ (از طریق معافیت از مجازات) به اجرا در می‌آید.

۱- آشوری (دکتر محمد)، نتیجه کلی همایش بین‌المللی مواد مخدر، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی-کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد اول، انتشارات روزنامه رسمی، ۱۳۷۹، ص ۳۳۶.

۲- نجفی ابرندآبادی (دکتر علی حسین)، درآمدی به جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، مجموعه مقالات، همایش بین‌المللی علمی-کاربردی...، جلد اول، ص ۱۱ و بعد.

۷-۲- کیفرزدایی از طریق تعلیق اجرای مجازات

تأسیس تعلیق اجرای مجازات در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ - با وجود کاستیهایی که دارد - یکی از مؤثرترین تدابیر در جهت اعمال سیاست کیفرزدایی به شمار می‌رود. اجرای این سازوکار، تنها در قلمرو محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده میسر شناخته شده است. در اینجا نیز قاضی اختیار دارد تا اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را با رعایت شرایط مقرر در قانون از دو تا پنج سال معلق کند. معلق ساختن قسمتی از مجازات را - که با فلسفه نهاد تعلیق مغایر به نظر می‌رسد - در حقیقت باید نوعی کیفرزدایی ناقص دانست. به اعتقاد ما، بازنگری مقررات تعلیق اجرای مجازات در جهت ارتقای آن به تدابیری چون تعلیق مراقبتی، به کارآمدتر ساختن این تدابیر کمک بسیاری می‌کند. ولی، در وضع حاضر به کارگیری گسترده آن را از سوی دادرسان می‌توان مطلوب دانست؛ مطلوبی که در کنترل جمعیت کیفری زندانها (تورم‌زدایی از جمعیت کیفری) تأثیری انکارناپذیر دارد.^(۱)

۸-۲- کیفرزدایی از طریق آزادی مشروط

یکی از تدابیری که در اجرای سیاست کیفرزدایی مؤثر ارزیابی می‌شود، آزادی مشروط است. از آنجا که کاربرد این تأسیس، تنها در قلمرو مجازات زندان قابل تصور است، آن را جلوه ویژه سیاست حبس‌زدایی (Decarceration) باید انگاشت. بدین ترتیب می‌توان گفت زمانی که سخن از کیفرزدایی از طریق به کارگیری جانشینهای

۱- گفتنی است آیت الله هاشمی شاهرودی - رییس قوه قضائیه - طی بخشنامه شماره ۱/۸۰/۷۴ مورخ ۱۳۸۰/۱/۷ از دادرسان دادگاههای عمومی، انقلاب، تجدیدنظر و نظامی سراسر کشور خواسته‌اند تا در اجرای حکم مجرمان انفاقی و تکرار کنندگان جرم، به مواد ۲۵ تا ۳۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ توجه و عمل کنند. بر این اساس، استفاده صحیح و بیجا از این نهاد می‌تواند تا اندازه زیادی از آثار زیانبار زندان و تحمیل بار مالی بر بودجه کشور برای تأمین مخارج زندانیان بکاهد و موجبات اصلاح مجرم و بازگشت او به زندگی عادی و تقلیل آمار تکرار جرم را در پی داشته باشد. رییس قوه قضائیه در این بخشنامه به دادرسان رسیدگی کننده به امور کیفری توصیه کرده در جریان دادرسیها با فراهم کردن شرایط اعمال تعلیق کیفر و مناسب نبودن اجرای تمام یا قسمتی از مجازات در محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده، با استفاده از اختیارات قانونی، طی همان حکم محکومیت و برای مدتی که قانون مجاز اعلام کرده است، کیفر را معلق و دستورهای لازم را صادر کنند و محکوم را از عواقب نقض حکم تعلیق در این مدت آگاه سازند.

مجازات سالب آزادی به میان کشیده می‌شود، سیاست اتخاذ شده به «حبس زدایی» تغییر نام پیدا می‌کند. خوشبختانه، قانونگذاران ایران از دیرباز با پذیرش تأسیس آزادی مشروط گامهای مؤثری در اجرای سیاست کیفرزدایی (حبس زدایی) برداشته‌اند. ماده ۳۸ اصلاحی قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۷) نیز آزادی مشروط کسان را که برای نخستین بار به مجازات حبس محکوم شده و نیمی از مجازات را گذرانده‌اند با شرایطی پذیرفته است. بی‌گمان، وجود این ماده یکی از نقطه‌های روشن مقررات کیفری کنونی به شمار می‌رود و همچون تأسیس تعلیق اجرای مجازات، به کارگیری گسترده‌تر آن از سوی دادرسان ضروری به نظر می‌رسد.

راهنمای کتاب‌شناسی

- در فهرست زیر تلاش شده تا مهمترین منابع موجود در زبان فارسی که در آن مطلبی درباره جرم‌زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی وجود دارد، به خوانندگان معرفی شود:
- ۱- آشوری (دکتر محمود)، نتیجه کلی همایش مواد مخدر تهران، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد اول، انتشارات روزنامه رسمی، ۱۳۷۹، ص ۳۳۴.
 - ۲- آنسل (مارک)، دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵، صص ۹۶ تا ۱۰۹.
 - ۳- برادل (زان)، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۱۳۰ تا ۱۲۵.
 - ۴- پیکا (زرژ)، جرم‌شناسی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۰، صص ۱۰۴ و ۱۰۵ و صص ۱۱۵ تا ۱۱۸.
 - ۵- تعزیرات حکومتی و سیاست کیفرزدایی و جرم‌زدایی، ترجمان حسبه، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشکده سازمان تعزیرات حکومتی، سال اول، پیش شماره، پاییز ۱۳۷۹، صص ۴۵ تا ۵۸.
 - ۶- داوودی گرماردی (هما)، کیفرزدایی و حقوق موضوعه ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۷۴.
 - ۷- کلانتری (کیومرث)، تحلیل بحران در حقوق موضوعه کیفری ایران و راهکارهای خروج از آن، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس دانشکده علوم انسانی، تابستان ۱۳۸۱، صص ۳۰۶ تا ۳۲۴.
 - ۸- گسن (ریموند)، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا، ناشر: مترجم، ۱۳۷۰، ص ۲۰ و ص ۸۷.
 - ۹- مهرا (نسرین)، درآمدی بر جرم‌زدایی، کیفرزدایی، قضازدایی، (ترجمه)، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، شماره ۲۱ و ۲۲، زمستان ۷۶ تا تابستان ۷۷، صص ۳۰۱ تا ۳۱۱.
 - ۱۰- نجفی ابرندآبادی (دکتر علی حسین)، [در:] با صاحب‌نظران، ترجمان حسبه، فصلنامه‌ها تحقیقی - پژوهشی، پژوهشکده سازمان تعزیرات حکومتی، شماره ۸ و ۷ سال سوم، تابستان و پاییز ۱۳۸۱، صص ۴۳ تا ۵۲.
 - ۱۱- نجفی ابرندآبادی (دکتر علی حسین)، درآمدی به جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد اول، انتشارات روزنامه رسمی، ۱۳۷۹، صص ۱۱ تا ۳۴.
 - ۱۲- نجفی ابرندآبادی (دکتر علی حسین)، هاشم بیگی (حمید)، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷، صص ۷۶ و ۷۷.
 - ۱۳- هنریش یشک (هانس)، حقوق جزای نوین آلمان در بوته آزمایش، ترجمه دکتر محمدآشوری، مجله قانون و کلام، شماره ۱۴۸ و ۱۴۹، صص ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۵۸ و ۲۵۹.